

خیالی است مشووه و جنگشان و لایسمعون و لایصرون
از این رو بتقریب گوید خدای
يقولون شيئا و لا يفعلون

وحید

قطعه

زاهدی حاجی معاون نام را در مجلسی
از شهاب السلطنه دیدم که میراند مگس
تایکی راحت بماند گفتم از زهد است دور

اینچنین تقسیم کردن زحمتش بریست کس
گفت: ما راست این و بروی چون مگس بنشست و خاست
چون بدیگر کس نشیند آفت جانست و بس
بهر پاس یار میرانم مگس از روی ماز
مار را چون نیست سر کوبی و راندن دسترس

(وحید)

مدرسه مستنصریه

مدرسه مستنصریه از مدارس مشهور و مهم عالم اسلامی است که
در ایام خود خدمات شایانی بعلوم و ادب نموده و بسیاری از علماء
و دانشمندان نامی در این مدرسه تربیت یافته‌اند
بناء این مدرسه در سال ۱۲۵۰ بامر خلیفه المستنصر بالله شروع
و در آخر ۱۳۰۰ یعنی در مدت پنجسال ساختن عمارت زیبا و مصفای
آن پایان رسید

همینکه عمارت مدرسه ساخته و پرداخته گردید خلیفه املاک
و دهات زیادی بر آن وقف نموده و یک عده از مشاهیر و اجلة علماء
وقت بسمت تدریس و معلمی برگماشته و از هر حیث لوازم راحت
و آسایش آنها را فراهم نمود

مؤرخین راجع بانتظام و ترتیب این مدرسه مطالب بسیاری مینویسند که ما مهم ترین آنها را خلاصه کرده و از نظر قرئین محترم میگذرانیم -

(۱) عمارتهای مدرسه طوری مهندسی و طرح ریزی شده بود که اطاق های خواب . خوراک . نشیمن و مطالعه . تدریس . هر کدام علیحده و بشکل مخصوصی بود

(۲) برای اینکه محصلین و معلمین کاملاً آسوده و مرهه الحال باشند مدرسه دارای حمام . سلمانای های متعدد - مسجد . مریضخانه و دواخانه بود که همچنان از همه استفاده مینمودند

(۳) در خود مدرسه آشپزخانه مفصلی وجود داشت که با خرج مدرسه انواع و اقسام اغذیه خوب حتی شیرینی و حلوا برای طلاب و معلمین تدارک و در موسسه میوه هر قسم میوه که در شهر موجود بود سر سفره حاضر بود

(۴) يك مؤسسه شبیه بملرومات امروزه وزارتخانه داشت که مایحتاج طلاب از قبیل قلم . کاغذ . مرکب . دوات . صابون . زیت برای چراغ . لباس و رختخواب و غیره در آنجا انبار و بلاعوض بطلاب داده میشد

(۵) با آنکه مدرسه تمام مخارج و ضروریات طلاب و اساتید را فراهم میکرد هر کدام يك شهریه کافی نیز از مالیه مدرسه دریافت می نمودند

(۶) با آنکه در آغاز افتتاح یکصد و نود بار شتر کتب خطی نفیس برای مدرسه تدارک نمودند يك عده را با حقوق کافی اجیر کرده بودند که کتب لازمه را برای طلاب استنساخ نمایند

(۷) مدرسه مزبور به چهار قسمت عمده منقسم و هر قسمت به محصلین یکی از مذاهب اربسه اختصاص داشت و در هر قسمت يك

تالار بزرگی محضی القاء درس ساخته بودند که در تالار آن قه کوچک
از چوب بر پا و در وسط آن قه منیری گذارده بودند که مدرس بالای
آن رفته و درس میگفت

(۸) هر مدرس دو مبلغ داشت که دو طرف او جا گرفته و تقاریر
او را برای ذهنی شدن محصلین به آوازی بلند یکی بعد دیگری تکرار
می نمودند

(۹) در جلوی مدرسه مکتبخانه مفصلی برای آموختن قرآن و
کتابت باطفال یتیم و فقیر با تمام مخارج و احتیاجات آنها تأسیس کرده بودند
(۱۰) از مؤسسات بدیهه این مدرسه يك دائره بود که در دیوار
پیشخوان مدرسه تعبیه و این دائره مخجوی درجه‌هایی بود که هر کدام
از آنها دري از طلا منسوب و در سر ساعت اول از روز یکی از آن
درها باز شده يك باز طلائی از آن در خارج و يك مهره از مقدار
خویش در يك جام طلائی که در جلو آن تعبیه کرده بودند انداخته و
در نتیجه صدائی شبیه صدای ساعتی بزرگ از آن بلند میشد : مجدداً
باز و مهره بمحل خویش عودت کره و در بسته میشد .

ساعت بعد دوبار با همین ترتیب بیرون آمده و یکی بعد دیگری
عمل باز اولی را تکرار نموده و دو صدای متعاقب هم بلند میگردد
و هکذا تا آخر روز بعد و ساعات این عمل تکرار شده و کارکنان
مدرسه از روی تعداد صداها اوقات خواب و خوراک و نماز را تشخیص میدادند
در سقف این دائره آسمان کتودی ساخته بودند که مقارن
طلوع خورشید آفتابی از طلا از افق مشرق آسمان مزبور طلوع کرده
بترتیب آفتاب آخر روز در جهت مغرب نا پدید میگشت - همینطور
در شب ماهتابی بشکل و ترتیب ماهتاب طلوع و غروب مینمود
خلفه برای اینکه کاملاً از جریانهای مدرسه مسبوق باشد در
پهلوی آن عمارت با شکوهای که مشرف بر عمارت باشد ساخته و اغلب
روزها برای نظارت بر احوال مدرسه در آن عمارت بسر میبرد .

اما علومی که در این مدرسه تدریس می شد . عبارت بود از
 نحو . صرف . معانی و بیان . منطق و فلسفه . حکمت . طب .
 هیئت و نجوم . حساب و مساحت . تقویم البلدان (جغرافی) . فقه .
 اصول . کلام . حدیث . فرائی .
 تا زمان تسلط هلاکو بر بغداد این مدرسه کمال رونق و شکوه
 را داشته . ولی بعد از استیلای آن درنده خوتخوار و قتل علماء و
 دانشمندان رونق اولیه را از دست داده و بطول زمان همانطور که
 سایر آثار تمدن از مالک اسلامی رخت بر بست مدرسه مستنصریه نیز
 مبدل بیک خرابه گردید که حکومت فعلی عراق بر جای خرابه آن یکی

از ادارات خویش را تأسیس نموده است
 مقصود ما از این مقاله شرح تاریخچه مدرسه مستنصریه نبود بلکه
 میخواستم وسایل تحصیل آن از منته که بعضی آنرا قرون مظلمه میخوانند
 یا وسایل آموزه که آنرا قرن طلائی میدانیم مقایسه کرده به بینیم کدام

یک بحال اشخاص بی بضاعت مساعدتر است
 بعقیده ما ترتیب قدیم بمراتب بحال محصلین بچیز مفیدتر بوده

است . زیرا در آنوقت هر کس میل مینمود که فرزندش را بتحصیل
 علم و کمال وادار کند غیر از اراده خود او مانعی در میان نبود زیرا
 همتیکه فرزندش را روانه مدرسه میکرد به هیچوجه نگرانی مخارج
 او را نداشت

و بسا واقع می شد که اشخاص فقیر محض فرار از مخارج
 اولاد خود را بمدرسه فرستاده و از میان همان فقیر زادگان اشخاصی
 بزرك مانند خواجه نظام الملک - غزالی - سعدی و امثال آنها برای
 جامعه تهیه می شد

ولی امروز مخارج تحصیل خاصه علوم عالیه بدرجه سنگین
 و کمز شکل است که جز برای اشخاص متمول و با بضاعت میسر نیست
 و همین مسئله باعث شده که تحصیلات عالیه مختص طبقه متمول

گردیده - همانطور که سایر چیز هارا اختکار کرده اند علم را نیز